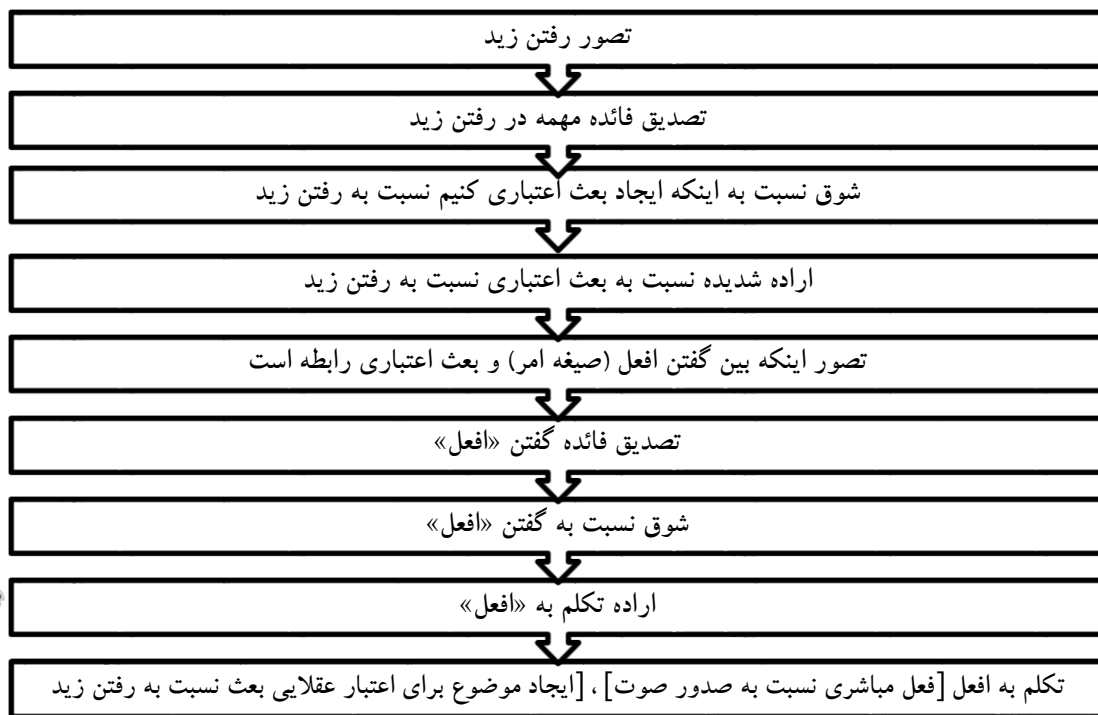


❖ مبنای مختار:

با توجه به اشکال و جواب های مطرح شده می توان گفت:

- (۱) امر انشاء است و ایجاد موضوع می کند برای اعتبار عقلایی (بعث اعتباری)
- (۲) در هر امر کردن دو اراده موجود است یکی اراده بعث و یکی اراده تکلم.
- (۳) آمر مصالح را درک می کند. تفاوت مصالح در اهمیت به تفاوت شوق و تفاوت اراده بعث منتهی می شود.
- (۴) تفاوت اراده بعث باعث می شود که آمر گاه اراده کند تا موضوع بعث شدید را ایجاد کند و گاه اراده کند تا موضوع بعث ضعیف را ایجاد کند.
- (۵) بعث اعتباری قابل شدت و ضعف است و دلیلی بر اینکه اعتباریات دارای تشکیک نباشند، نداریم. بلکه ثابت کردیم که می توان در اعتباریات هم قائل به تشکیک خاصی شد.
- (۶) توجه شود که شدت و ضعف در یک امر اعتباری، خود امری اعتباری است و با توجه به آثاری است که آن امر اعتباری دارد. پس اگر نتوانیم آثار امر اعتباری را کم و زیاد تصور کنیم، امر اعتباری قابل شدت و ضعف نیست چراکه اعتبار کاری عقلایی است و اگر ثمره ای بر آن مترتب نیست، عقلا آن را اعتبار نمی کنند. و چون بعث اعتباری امری است که می تواند آثار کم و یا زیاد داشته باشد، قابل این هست که به نحو شدید و یا ضعیف اعتبار شود.
- (۷) پس متکلم [در جایی که امر واجب را مطرح می کند] در حقیقت عملکردی شبیه این دارد:



۸) اگر متکلم در مقام طرح امر استحبابی باشد، همین جدول مطرح می شود با این تفاوت اراده بعث، اراده ضعیفه است.

۹) توجه به این نکته مهم است که در «امر کردن» دو اراده است؛ اراده بعث و اراده تکلم. ممکن است اراده بعث شدید باشد ولی اراده شدیده نسبت به تکلم موجود نباشد [یکسال قبل از وقت عمل، یک مطلب واجب را اعلام می کند در این صورت اعلام زود هنگام، واجب نیست اگرچه مضمون و ماده واجب است] (۱۰) وجوب مفهوم انتزاعی از بعث شدید اعتباری است و استحباب هم مفهوم انتزاعی از بعث ضعیف اعتباری است.

(۱۱) هم بعث اعتباری شدید و هم مفهوم انتزاع شده از آن بسیط هستند.

(۱۲) شدت و ضعف در حقیقت بعث، عامل تمایز آنها است.

(۱۳) مقارنات کلام، دخالتی در ایجاد شدت و ضعف بعث اعتباری ندارند بلکه صرفاً علامات و کاشف از آن هستند. إن قلت: وقتی گفته شد، وجوب مفهوم انتزاع شده از بعث اعتباری شدید است، و استحباب، مفهوم انتزاع شده از بعث اعتباری ضعیف است، در حالیکه می دانیم برخی از مستحبات اقوی از مستحبات دیگر و برخی از واجبات از واجبات دیگر اشد هستند، حال جای این سوال باقی است که کدامین مرتبه از بعث اعتباری شدید است و کدامین مرتبه ضعیف. کما اینکه باید معلوم شود قوت و ضعف استحباب و وجوب ناشی از چیست و چگونه معلوم می شود.

قلت: وقتی پذیرفتیم که امر می تواند بعث اعتباری را در مراتب مختلف از حیث شدت و ضعف اعتبار کند، می گوئیم اینکه کدام مرتبه از شدت، اقل مراتب وجوب است و کدام مرتبه از بعث، شدید است و کدام اقل و ضعیف است را باید از مقارنات خارجی به دست آورد. و لذا اگر از دلیل دیگر استفاده کردیم که امر راضی به ترک نیست، معلوم می شود که بعث شدید است و اگر استفاده کردیم که امر راضی به ترک هست، معلوم می شود بعث مذکور، بعث ضعیف است. کما اینکه ممکن است امر در مقام مقایسه و تراحم دو واجب یکی را بر دیگری ترجیح دهد، در این صورت می فهمیم بعث در راجح اشد است.

نکته:

تا کنون گفتیم وجوب مفهوم انتزاع شده از بعث شدید اعتباری است و گفتیم بعث شدید، بعثی است که امر راضی به ترک آن نیست.



اما، نکته مهم آن است که گاه مستعلی بعث شدید را اعتبار میکند و گاه غیر مستعلی، ظاهراً وجوب مفهوم انتزاع شده از بعث اعتباری شدید است در جایی که اعتبار کننده، مستعلی باشد. ولی اگر غیر مستعلی، بعث شدید را اعتبار کند (مثلاً هیأت امر را یک التماس کننده به کار ببرد)، در این صورت عرف آن را واجب نمی داند. و لذا اگر اعتبار کننده ای که مستعلی است (ولی عالی نیست)، نسبت به یک عالی، امر کرد، چیزی را بر او واجب کرده است ولی به سبب این امر عرف او را تخطئه می کنند.

تکمله:

آنچه در کلمات مطرح است که:



غلط است چراکه «امر»، بعث مبعوث است در حالیکه مبعوث عن اختیار فعل را انجام دهد و لذا اصلاً از مرحله ابتدایی با فعل بالمباشره متفاوت است.

امر: تصور رفتن زید عن اختیار ← تصدیق به فائده ← اراده نسبت به بعث اعتباری ← بعث اعتباری
 فعل بالمباشره: تصور رفتن زید جبراً ← تصدیق فائده ← اراده نسبت به برن ← فعل بالمباشره
 اما در جدول صفحه ۵۰ می توان یک مرحله را اضافه کرد:



